

## **The Impact of Ethics on Socio-Cultural Discourse**

**Taherah Jahanparvar<sup>1</sup>** , **Mohammad Ali Rabbani<sup>2</sup>**

1. PhD Student, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).  
jparvar@yahoo.com

2. PhD., History of Shiism, University of Denominations and Religions, Tehran, Iran.  
rabani418@iki.ac.ir

### **Abstract**

The purpose of this study is to examine the impact of socially discourse-oriented relationships on the development and improvement of ethics and urban culture. The research methodology combines descriptive and applied analytical approaches. The findings revealed that citizenship and civic culture are the result of multifaceted commitments. Citizens are dynamic and mobile components of society, actively participating in various societal spheres. Achieving this requires a dual movement: one from top to bottom in the form of empowerment and engagement within macrostructures, and the other from bottom to top, reflecting the active social participation of citizens, particularly in the public sphere. The religious, cultural, and civilizational values of Islamic Iran encompass teachings that embody civil and collective virtues and ethics. The fundamental philosophy of these teachings is the belief that behavioral changes must begin with individual awareness and attitudes. Considering the impact of religious beliefs on adherence to civil culture, these values offer a suitable foundation for citizens to acquire necessary skills for participation in political, social, cultural, economic, and religious arenas. Religion, as one of the most significant sources of fostering civic culture, necessitates special attention to religious adherence and beliefs in encouraging commitment to civic ethics. Furthermore, civic teachings should be tailored to meet the social, religious, and cultural needs of society.

**Keywords:** Ethics, Urbanization, Socio-Cultural Life, Citizenship Rights, Civic Culture.

---

Received: 2024/03/28 ; Revised:2024/05/01 ; Accepted: 2024/05/21 ; Published online: 2024/09/26

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://doi.org/10.22081/SCS.2025.63209.1132>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



## تأثیر اخلاق بر گفتمان زیست فرهنگی - اجتماعی

طاهره جهان‌پرور<sup>۱</sup>، محمدعلی ربانی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران (نویسنده مسئول). jparvar@yahoo.com

۲. دکتری، تاریخ تشیع، دانشگاه مذاهب و ادیان، تهران، ایران. rabbaniali@urc.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر رابطه اجتماعی گفتمان محور در توسعه اخلاق و فرهنگ شهرنشینی و کمک به بهبود آن است. روش تحقیق ترکیبی از رویکردهای توصیفی و تحلیل کاربردی است. نتایج نشان داد، شهروندی و فرهنگ شهروندی، محصول تعهد چندجانبه است؛ زیرا شهروندان، عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می‌شوند و در عرصه‌های مختلف جامعه حضور دارند و برای تحقق آن، حرکتی دوسویه، یکی از بالا به پایین به‌مثابه فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی در ساختار کلان، و دیگری حرکت از پایین به بالا که در واقع مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان، به‌ویژه عرصه عمومی برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه است را در پیش می‌گیرند. ارزش‌های دینی و فرهنگی - تمدنی ایران اسلامی دارای آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است؛ چراکه فلسفه بنیادین این آموزه‌ها، این باور است که برای تغییر رفتارها باید از آگاهی‌ها و نگرش‌های افراد شروع نمود. با توجه به تأثیر باورهای دینی در پایداری به فرهنگ مدنی، قابلیت مناسبی را برای کسب مهارت‌های لازم شهروندان برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی آنان فراهم می‌آورد؛ زیرا دین یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد فرهنگ شهروندی است و باید توجه ویژه‌ای به دینداری و باورهای دینی مردم در ترغیب به پایداری به اخلاق شهروندی صورت گیرد، و آموزه‌های شهروندی باید متناسب با نیازهای اجتماعی، دینی و فرهنگی جامعه ارائه گردد.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق، شهرنشینی، زیست فرهنگی - اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی.

**استناد به این مقاله:** جهان‌پرور، طاهره؛ ربانی، محمدعلی (۱۴۰۳). تأثیر اخلاق بر گفتمان زیست فرهنگی - اجتماعی. مطالعات فرهنگی اجتماعی

حوزه، ۸(۲)، ص ۶۷-۸۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

https://doi.org/10.22081/scs.2025.63209.1132

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

از جمله مفاهیم نوین و چالش برانگیز، موضوع شهروندی و فرهنگ شهروندی میان اندیشمندان این دو حوزه است که نوعی آمیختگی با زندگی فرهنگی متجددانه انسان اجتماعی دارد. فرهنگ شهروندی به مثابه سبک زندگی شهروند در کالبد شهری و از نیازهای حال و آینده، متأثر است (روشه، ۲۰۰۲). اصول حاکم بر رفتار شهروندان یا فرهنگ شهروندی، در واقع تلفیقی از نگرش‌ها و قوانین بنیادی مشترک و ارزش‌هایی است که در خود، مشارکت در تمامی عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با احساس تعهد و احترام به قوانین و مقررات شهری و مسئولیت را به همراه دارد (هاشمیان‌فر و عجمی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱). در بررسی‌های اجتماعی و شهری بین تحقق و توسعه اخلاق شهروندی، شهرنشین کنشگر، رعایت هنجارها و قواعد اخلاق شهروندی و نیازها و ضرورت‌های توسعه اجتماعی شهری ارتباط وجود دارد. مناسبات زندگی در دنیای انسانی، هر لحظه دستخوش تغییراتی در پدیده نوین و روابطی است که بر پیچیدگی زندگی اجتماعی انسان‌ها در شهر می‌افزاید. شهر، مکانی است که افراد به‌طور دائمی در آن جمع می‌شوند. این فضا، مرکز پیچیدگی‌های محیط زندگی است و نشان‌دهنده سازماندهی زندگی انسان برای سازگاری با محیط اجتماعی است. در واقع، شهر خود بازگوکننده پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (فتحی، ۱۳۸۹).

گسترش رقابت‌های اجتماعی و خدماتی و غلبه فرهنگ اقتصادی، در بسیاری از مناطق شهرهای بزرگ، منجر به برخورد سطوح اخلاق شهروندی در ابعاد کنشی و فرهنگی گردیده؛ اما در آبرشهرها و کلان‌فضاها لازمه زندگی سالم و پایدار، پایبندی به رعایت اخلاق شهروندی برای حفظ نظم اجتماعی، تمایل به همکاری، روابط، مشارکت مدنی، و احترام به قواعد رسمی را فراهم کرده است. تعهد شهروندی به معنای قانون‌گرایی، احساس مسئولیت مشترک، تعاملات شهروندی در مواجهه با حوادث و ناملازمات فردی و اجتماعی و احترام به هنجارهای رایج در عرصه زندگی و فرهنگی و به دنبال آن، رشد درونی اخلاق شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۱). پایبندی به اصول اخلاقی در همان معنای کلی اخلاقی بودن در قبال کسانی که با آن‌ها در ارتباط و تعامل هستیم، معنا می‌یابد؛ نه در شکل خاص «اخلاق شهروندی» که مخصوص نوعی از سکونت‌گاه‌های انسانی، یعنی کلان‌شهرها است، که تعداد بسیار زیادی از انسان‌ها بدون تعامل و ارتباط مستقیم با یکدیگر در کنار هم زندگی می‌کنند. وقتی تعامل روزمره و رودررو به عنوان اصلی‌ترین عامل پیوند اجتماعی و مؤثر بر تلقی فرد از خود به عنوان فردی پایبند به هنجارها و اصول اخلاقی، به دلیل تعداد قابل توجه ساکنان یک سکونتگاه انسانی مثل کلان‌شهر، کمرنگ می‌شود؛ عامل دیگری باید انسجام‌بخشی اجتماعی را عهده‌دار شود و این همان مسئله‌ای است که دورکیم به آن پرداخته است؛ او شکل‌گیری اخلاق مدنی و شهروند مدنی را به عنوان یک ضرورت جدید برای جامعه مطرح



می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۷). دوم، اخلاق عمومی است که فارغ از عضویت در هر گروهی، با ذات انسان مرتبط است؛ مانند ضرورت حفظ آبرو و احترام به دیگران (دورکیم، ۱۳۸۷). امیل دورکیم در کتاب «اخلاق حرفه‌ای و مدنی، از دو زاویه»، به اخلاق و مطالعه وظایفی می‌پردازد که فرد باید در قبال گروهی که به آن تعلق دارد، انجام دهد (دورکیم، ۱۹۸۹، ص ۱۱۰).

در ساحت شهروندی، شهروندان قبل از اعمال خود، به تفکر می‌پردازند و دارای عقل عملی هستند. شهروندی که تفکر مستقل و آزاد دارد، زمینه را برای معنادار شدن کامل اعمال مختلف فراهم می‌کند. این شهروند با خود گفت‌وگوی درونی دارد و براساس میل و اراده خود تصمیم می‌گیرد که کاری را انجام دهد یا از انجام آن خودداری کند؛ تا براساس تصمیم‌گیری‌های عقل عملی و شناخت مفاهیم گوناگون امور، کنشگری کند (آرنت، ۲۰۰۳). شهروند آرنتی با چنین ویژگی‌هایی، شهروندی بافضیلت است و با خودمختاری عقلانی درباره امور تصمیم می‌گیرد؛ و در برابر دیگر شهروندان و عمل شهروندی خود، متعهد و مسئولیت‌پذیر است و در عرصه عمومی، در مسیر خیر جمعی و رفع آسیب‌های ناشی از شاخص‌های بازگشت‌ناپذیر و غیرقابل پیش‌بینی اقدام سایر شهروندان، به تفکر پرداخته و از آسیب‌های حوزه سیاسی و نابودی آن و با شناخت ارزش بخشش و قول دادن، از [نتیجه یا عمل منفی] جلوگیری می‌شود (آرنت، ۱۹۹۸). رویکردهای فرهنگی، به منظور بررسی توسعه استدلال اخلاقی، برای چندین دهه تأثیرگذار بوده است. با این حال، شکاف‌هایی در شناخت اینکه چگونه افراد به‌طور فعال استدلال اخلاقی خود را در زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی مختلف ارائه می‌کنند، وجود دارد (پی اوچو و دلا کروز، ۲۰۲۴).

با توجه به اینکه نیاز به قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص، از ویژگی‌های زندگی در عصر حاضر شهری است؛ در طول ۱۰۰ سال گذشته، جامعه ایرانی در زمینه آداب و رسوم شهرنشینی و عدم رعایت حقوق و تکالیف شهروندی، وضعیت آشفته‌ای داشته، که مواردی مانند نادیده گرفتن قوانین و ملزومات فرهنگ شهروندی، کوتاهی، رعایت نکردن حقوق دیگران، وقفه، ناملازمات و خشونت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری را دامن زده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

برای دسته‌بندی و تحلیل تحقیقات مرتبط با حوزه اخلاق و فرهنگ شهرنشینی، می‌توان آنها را براساس موضوعات اصلی و رویکردهای پژوهشی به چند دسته کلی تقسیم کرد. در ادامه، دسته‌بندی و تحلیل این تحقیقات ارائه شده است:

**اخلاق شهروندی و فرهنگ شهرنشینی:** اخلاقیات شهری: حلقه مفقوده گسترش شتابان شهرنشینی، بررسی جایگاه برنامه‌های درسی در ارتقای فرهنگ شهروندی، نقش مهندسی فرهنگی در توسعه اخلاق

شهروندی. این تحقیقات بر اهمیت اخلاق شهروندی در توسعه پایدار شهری تأکید دارند و به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت اخلاق شهروندی می‌پردازند. همچنین، نقش آموزش و برنامه‌ریزی درسی در ارتقای فرهنگ شهروندی در آنها مورد توجه قرار گرفته است.

**مشارکت شهروندی و مدیریت شهری:** تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، رابطه بین احساس تعلق شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری، حقوق شهروندی، زیربنای تحقق شهرسازی اخلاقی. این تحقیقات به نقش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تأثیر احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در بهبود عملکرد شهری پرداخته‌اند. همچنین، حقوق شهروندی به عنوان پایه‌ای برای توسعه شهری اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است.

**سرمایه اجتماعی و پایداری شهری:** بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی با پایداری زیست‌محیطی شهری، سرمایه اجتماعی و پایداری کالبدی - فیزیکی شهرها، نقش عرصه عمومی در شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی. این تحقیقات به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و پایداری شهری پرداخته‌اند. سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی کلیدی در ایجاد همبستگی و مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار شهری معرفی شده است.

**چالش‌های شهرنشینی و آسیب‌های اجتماعی:** بحران اخلاقی از دیدگاه شهروندان تهرانی، تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری.

**تأثیر فقر و نابرابری بر توسعه پایدار شهری:** این تحقیقات به چالش‌های شهرنشینی سریع و تأثیر آن بر اخلاق و فرهنگ شهروندی پرداخته‌اند. مشکلاتی مانند فقر، نابرابری، و آسیب‌های اجتماعی به عنوان موانع اصلی در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی سالم شناسایی شده‌اند.

**فرهنگ شهروندی و هویت شهری:** تحلیل جامعه‌شناختی هویت انسان مدرن در پرتو فرهنگ شهروندی، شهروند فرهنگی و شهر فرهنگی از دیدگاه نهج‌البلاغه، نقش آرامستان‌ها در هویت فرهنگ شهرنشینی. این تحقیقات به بررسی رابطه بین فرهنگ شهروندی و هویت شهری پرداخته‌اند. هویت شهری به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی و احساس تعلق شهروندان به محیط شهری معرفی شده است.

**آموزش و ترویج فرهنگ شهروندی:** راهبردهای آموزش قوانین و مقررات ترافیک برای نوجوانان، رسانه به مثابه جامعه‌پذیری و تربیت شهروندی.

**مدیریت تولید محصولات فرهنگی با رویکرد ترویج فرهنگ شهروندی:** این تحقیقات بر نقش آموزش و رسانه در ترویج فرهنگ شهروندی تأکید دارند. آموزش قوانین شهری و استفاده از رسانه‌ها به عنوان ابزارهایی مؤثر در افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری شهروندان معرفی شده‌اند.



شهرنشینی و محیط زیست: بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای زیست محیطی، تأثیر حاکمیت قانون و ارتقای حقوق شهروندی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، نقش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در کنترل کووید ۱۹. این تحقیقات به رابطه بین شهرنشینی و مسائل زیست محیطی پرداخته‌اند. حاکمیت قانون و برنامه‌ریزی شهری به عنوان عوامل کلیدی در کاهش آسیب‌های زیست محیطی و بهبود کیفیت زندگی شهری معرفی شده‌اند.

شهرنشینی و مدرنیته: تعارض سنت و مدرنیته در عرصه توسعه اجتماعی ایران، مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات تجددگرایی بر اخلاق اجتماعی، مبانی نظری شهرنشینی و شهرسازی در تمدن اسلامی. این تحقیقات به بررسی تأثیر مدرنیته بر شهرنشینی و فرهنگ شهروندی پرداخته‌اند. تعارض بین سنت و مدرنیته به عنوان چالشی مهم در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی مدرن شناسایی شده است.

شهرنشینی و گردشگری: اخلاق شهروندی در فضاهای گردشگری شهر یزد، نقش آرامستان‌ها در هویت فرهنگ شهرنشینی با رویکرد گردشگری. این تحقیقات به رابطه بین شهرنشینی و گردشگری پرداخته‌اند. گردشگری به عنوان عاملی مؤثر در تقویت فرهنگ شهروندی و هویت شهری معرفی شده است.

شهرنشینی و حقوق شهروندی: مطالعه رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و آگاهی از حقوق شهروندی، حقوق شهروندی، زیربنای تحقق شهرسازی اخلاقی. این تحقیقات بر اهمیت آگاهی از حقوق شهروندی و نقش آن در توسعه شهر اخلاقی تأکید دارند. آگاهی شهروندان از حقوق خود به عنوان عامل کلیدی در بهبود کیفیت زندگی شهری معرفی شده است. برای تحلیل سایر تحقیقاتی که در دسته‌بندی‌های قبلی قرار نگرفته‌اند، می‌توان آن‌ها را براساس موضوعات خاص تر و مفاهیم کلیدی‌شان بررسی کرد. در ادامه، تحلیل این تحقیقات ارائه می‌شود:

معلولیت و شهرسازی: «فرهنگ شهر برای همه از تصور تا تحقق؛ موردکاوی: غفلت طرح‌های شهری تهران برای الزامات شهروندان معلول و ناتوان» (رضا خیرالدین و رضوانه هوشمند). این تحقیق به چالش‌های شهرسازی برای افراد معلول و ناتوان می‌پردازد و نشان می‌دهد که طرح‌های شهری غالباً نیازهای این گروه را نادیده می‌گیرند. این موضوع اهمیت طراحی شهری فراگیر و توجه به حقوق شهروندی افراد معلول را برجسته می‌کند.

اندیشه‌های شهری و جامعه‌شناسی: «ابن خلدون؛ پیشگام در جامعه‌شناسی شیوه‌های زندگی شهری، مطالعه تطبیقی شیوه‌های زندگی شهری در اندیشه جامعه‌شناسان شهری نوین و ابن خلدون» (جمال عبدالله پور و غلامرضا جمشیدی‌ها). این پژوهش به مقایسه اندیشه‌های ابن خلدون با جامعه‌شناسان شهری مدرن می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم قدیمی می‌توانند با نظریه‌های جدید ترکیب شوند تا درک بهتری از زندگی شهری ارائه دهند.

تاریخ شهرنشینی: «امتیازهای شهرنشینی در ایران عصر ساسانی (۲۲۶-۶۵۱ م)» (محمد مهدی جهان‌پرور). این تحقیق به بررسی ویژگی‌های شهرنشینی در دوره ساسانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه شهرها در آن دوره به عنوان مراکز تمدنی و فرهنگی عمل می‌کردند. این مطالعه می‌تواند به درک بهتر ریشه‌های تاریخی شهرنشینی در ایران کمک کند.

سبک زندگی و اخلاق اقتصادی: «سبک زندگی و اخلاق اقتصادی بر مبنای باورهای دینی از دیدگاه وبر: جامعه ایران» (یاسین حسینی، کیومرث خزلی، سید صلاح‌الدین کهنه‌پوشی). این تحقیق به بررسی رابطه بین سبک زندگی، اخلاق اقتصادی و باورهای دینی در جامعه ایران می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های دینی می‌توانند بر رفتارهای اقتصادی و سبک زندگی شهروندان تأثیر بگذارند. دلبستگی مکانی و سالمندان: «چگونه سالمندان دلبستگی مکانی را تعریف می‌کنند؟» (زهرا علی‌اکبرزاده آرانی، نسیم زنجری، احمد دلبری، مهشید فروغان و غلامرضا قائدامینی هارونی). این تحقیق به بررسی مفهوم دلبستگی مکانی در میان سالمندان می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه فضاهای شهری می‌توانند به نیازهای عاطفی و اجتماعی این گروه پاسخ دهند. این موضوع اهمیت طراحی شهری دوستدار سالمند را برجسته می‌کند.

مدیریت شهری و بحران‌ها: «نقش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در کنترل کوید ۱۹» (اعظم فرزانه). این تحقیق به بررسی نقش مدیریت شهری در مقابله با بحران‌هایی مانند همه‌گیری کوید ۱۹ می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی بحران‌ها کمک کند.

شهر دوستدار کودک: «مبانی دینی «شهر دوستدار کودک» و رویکردهای آن» (علی شفیع‌ی). این پژوهش به بررسی مفهوم شهر دوستدار کودک از منظر دینی و فرهنگی می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های دینی می‌توانند در طراحی شهری که نیازهای کودکان را برآورده می‌کند، نقش داشته باشند.

تولیدات فرهنگی و شهرنشینی: «مدیریت تولید محصولات فرهنگی رسانه‌ای با رویکرد ترویج فرهنگ شهروندی بومی برای شهرنشینان کلانشهرهای ایران» (احمد امین‌فرد). این تحقیق به نقش تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای در ترویج فرهنگ شهروندی بومی می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها می‌توانند به تقویت هویت فرهنگی و شهروندی کمک کنند.

میکروبیوم و سبک زندگی شهری: «میکروبیوم و سبک زندگی شهری و تأثیرات آن بر کرونا ویروس» (پرستو صالح ابراهیمی‌نژاد). این تحقیق به بررسی رابطه بین میکروبیوم، سبک زندگی شهری و تأثیرات



آن بر سلامت، به‌ویژه در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه عوامل محیطی و زیستی می‌توانند بر سلامت شهروندان تأثیر بگذارند.

**جامعه‌شناسی شهروندی:** «درآمدی بر جامعه‌شناسی شهروندی در ایران (ارائه چارچوبی جامع و یکپارچه براساس فراترکیب کلیه مقالات علمی پژوهشی طی سال‌های ۹۸-۱۳۷۹)» (محمدعلی زکی). این تحقیق به ارائه چارچوبی جامع برای مطالعه جامعه‌شناسی شهروندی در ایران می‌پردازد. این مطالعه می‌تواند به درک بهتر مفاهیم و چالش‌های شهروندی در ایران کمک کند.

**رفتارهای زیست‌محیطی:** «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی (مورد بررسی: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد)» (مسعود حاجی‌زاده میمندی، بهمن باقرپور و زهرا فلک‌الدین). این پژوهش به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی در میان دانش‌آموزان می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه آموزش و آگاهی می‌توانند به بهبود رفتارهای زیست‌محیطی کمک کنند. **اعتماد اجتماعی و فرهنگ شهروندی:** «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین» (موسی سعادت‌ی و ساجده اسلامی). این پژوهش به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی می‌تواند به تقویت فرهنگ شهروندی و مشارکت اجتماعی کمک کند.

**بررسی رابطه بین آموزش و نگرش به وجود فساد اخلاقی در فضای مجازی:** «بررسی رابطه بین آموزش و نگرش به وجود فساد اخلاقی در فضای مجازی در بین شهروندان یزدی» (اکبر زارع شاه‌آبادی، هادی اکبری، میثم غلامی). این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش بر نگرش شهروندان نسبت به فساد اخلاقی در فضای مجازی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که افزایش آگاهی و آموزش می‌تواند به کاهش پذیرش فساد اخلاقی در فضای مجازی کمک کند. این موضوع اهمیت آموزش‌های شهروندی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی عصر دیجیتال را برجسته می‌کند.

**بررسی عوامل سازمانی مؤثر در امید به آینده شهرنشینان:** «بررسی عوامل سازمانی مؤثر در امید به آینده شهرنشینان تبریز براساس معادلات ساختاری» (داود فرخ‌نژاد کشکی). این پژوهش به بررسی عوامل سازمانی (مانند نهادهای دولتی و غیردولتی) که بر امید به آینده شهرنشینان تأثیر می‌گذارند، می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که بهبود عملکرد نهادهای شهری و افزایش مشارکت شهروندان می‌تواند امید به آینده را در میان شهروندان تقویت کند.

**بررسی جایگاه برنامه‌های درسی در ارتقای فرهنگ شهروندی:** «بررسی جایگاه برنامه‌های درسی در ارتقای فرهنگ شهروندی و توسعه پایدار محیط زیست شهری (با تأکید بر دروس جغرافیا و مطالعات



اجتماعی)) (جواد حاجی علی‌زاده). این پژوهش به نقش برنامه‌های درسی در آموزش فرهنگ شهروندی و توسعه پایدار محیط زیست می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای افزایش آگاهی شهروندان و بهبود رفتارهای زیست‌محیطی عمل کنند.

**بررسی رابطه بین منش‌های مثبت اخلاقی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان:** «رابطه ساختاری منش‌های مثبت اخلاقی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان» (فرهاد خرمائی، معصومه زارع و محسن آریزی). این پژوهش به بررسی رابطه بین منش‌های اخلاقی مثبت (مانند صداقت و مسئولیت‌پذیری) و راهبردهای تنظیم هیجانی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که تقویت منش‌های اخلاقی می‌تواند به بهبود توانایی افراد در مدیریت هیجانات و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند.

**رابطه بین احساس تعلق شهروندان و مشارکت در امور شهری:** «رابطه بین احساس تعلق شهروندان یزدی بر مشارکت آنان در امور شهری» (اکبر زارع شاه‌آبادی، میثم غلامی و لیلی بنیاد). این پژوهش به بررسی رابطه بین احساس تعلق شهروندان به شهر و میزان مشارکت آنان در امور شهری می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که افزایش احساس تعلق می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان در فعالیت‌های شهری و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند.

**بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و فرهنگ شهروندی:** «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین» (موسی سعادت و ساجده اسلامی). این پژوهش به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی می‌تواند به تقویت فرهنگ شهروندی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک کند.

**بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی:** «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی (مورد بررسی: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد)» (مسعود حاجی‌زاده میمندی، بهمن باقرپور و زهرا فلک‌الدین). این پژوهش به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی در میان دانش‌آموزان می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که آموزش و آگاهی می‌توانند به بهبود رفتارهای زیست‌محیطی و افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان کمک کنند.

**بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و آگاهی از حقوق شهروندی:** «مطالعه رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر تهران» (داود قاسم‌زاده، مهدی اصغری). این پژوهش به بررسی رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (مانند سن، جنسیت و تحصیلات) و آگاهی از حقوق شهروندی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند به بهبود مشارکت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها کمک کند.



بررسی رابطه بین آموزش قوانین ترافیک و فرهنگ شهروندی: «راهبردهای آموزش قوانین و مقررات ترافیک برای نوجوانان در شبکه امید سیمای ج.ا.ا.» (احمد امین فر، یسری قربانی واقعی). این پژوهش به بررسی نقش آموزش قوانین ترافیک در ارتقای فرهنگ شهروندی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که آموزش‌های هدفمند می‌توانند به بهبود رفتارهای ترافیکی و افزایش احترام به قوانین شهری کمک کنند. مقاله «تأثیر اخلاق بر گفتمان زیست فرهنگی اجتماعی» رویکردی نظری و تحلیلی دارد و به بررسی نقش اخلاق در شکل‌گیری و تحول گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. در حالی که سایر تحقیقات بررسی شده بیشتر رویکردی کاربردی و عملی دارند و به مسائل روزمره شهرنشینی، حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی توجه کرده‌اند. این تحقیقات کمتر به تحلیل گفتمان‌ها و بیشتر به ارائه راهکارهای عملی برای بهبود زندگی شهری پرداخته‌اند.

### ۱-۲. نوآوری در پژوهش

در تحقیقات پیشین به بحث اخلاق و شهرنشینی پرداخته شده، اما جنبه اخلاقی و گفتمان محوری که از عناصر اصلی جنبه‌های مختلف فرهنگی در حوزه شهرنشینی است، مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر، رویکرد مورد نظر را از جنبه فرهنگی و ارتباط معنایی آن با اخلاق و فرهنگ شهرنشینی مورد بررسی قرار داده و تلاش شده است به صورت خاص به موضوع گفتمان اخلاقی در مباحث شهرنشینی پرداخته شود.

### ۳. تعاریف نظری

توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه‌ای نیازمند سهامداران آن جامعه به نام شهروندان است. سازگاری اجتماعی که مفهوم شهروندی را بهتر بیان می‌کند، براساس به کارگیری ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه عمل می‌پوشد. شهروندی که تربیت اجتماعی شده و زندگی در جامعه را فراگرفته، به آن اعتقاد پیدا می‌کند؛ اعتقاد فرد به جامعه‌ای که او را شهروند خود می‌داند و لازمه این اعتقاد سیاست فرهنگی است. ایجاب این سیاست، شناخت فرد از محیط زیست و جامعه با توسل به فرهنگ خود است، و با مشارکت‌های فرهنگی میان خرده‌فرهنگ‌های موجود در جامعه، که همان فرهنگ اقوام است، شکل می‌گیرد.

دین اسلام برای اخلاق که برخاسته از سرشت و فطرت انسان است، اهمیت ویژه‌ای قائل است. این دین در تمام جنبه‌های زندگی، فضائل و رذائل اخلاقی را آشکار می‌سازد و انسان را به انجام وظایف فردی و اجتماعی تشویق می‌کند (قطب، ۱۳۶۰، ص ۱۱۹). واژه سیتوین (شهروند) را از ریشه لاتین سیویس که یونانیان در اتحادی مقرر بین رؤسای قبیله‌ای و برای تبعیت از خدایان و قوانین یکسان و

حضور در برنامه‌های مشترک، با قرار در محدوده مشخص (شهر)، عنوان کرده بودند، طرح کرد. مفهوم شهروندی در یونان باستان به مثابه و معنای عضوی از شهر است؛ این وابستگی، چه در سطح خانواده و چه در سطح کل جامعه، شکل گرفت و توسعه یافت که قراردادی الیگارشسی میان رؤسای قبایل یا خانواده‌های تشکیل‌دهنده شهر بود و در آن زنان و بردگان شهر، خارج از دایره تنگ «مردم‌سالاری» قرار گرفته و جزو «دموس» به‌شمار نمی‌رفتند (فاستیگر، ۱۹۹۹). مونستکیو (۱۷۴۸) در کتاب «روح‌القوانین»، شهروندی را مجموعه‌ای از سازوکارهای اخلاقی و مدنی می‌داند که روابط حاکم میان شهروندان، آن را تعریف می‌کند.

احساس تعلق و عضویت اجتماعی نوین و مشارکت فعالانه در جامعه و حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، پایگاه نوعی و نقش اجتماعی نوین کلیه اعضای جامعه؛ برخورداری منصفانه تمامی اعضای جامعه از منابع و مزایای فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی؛ فارغ از تعلقات قومی، مذهبی، نژادی و طبقاتی و مجموعه به هم پیوسته از تکالیف و حقوق و مسئولیت‌ها و تعهدات فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی همگانی، یکسان و برابر، هسته مشترک شهروندی است (مک لین، ۱۹۹۶؛ ترنر، ۱۹۹۳، ص ۱). تعریف واضح جانوسکی از شهروندی، عضویت فعال یا منفعلانه در یک سطح مشخص از برابری افراد در «ملت‌دولت» با حقوق و تکالیف عام‌گرایانه است و زمانی به مثابه فرآیند اجتماعی و سیاسی در جوامع، به صورت تعامل جدی بین دولت‌ملت مطرح شده و از قرن ۱۹ و به‌طور هم‌زمان با مسئله عضویت در دولت‌ملت‌ها از مباحث مهم سیاسی و اجتماعی شده است. در تعریف جانوسکی، شهروندی با عضویت در ملت‌دولت و دارای حقوق و تکالیف معین و حقوق شهروندی عام در کالبد قانون برای تمامی شهروندان، جاری و حاکی از برابری تکالیف و حقوق در محدوده‌های ویژه است.

### ۱-۳. فرهنگ شهرنشینی

فرهنگ شهرنشینی و شهروندی مفهوم وسیعی است که با روح جمعی قربات و اشاره به یادگیری زندگی جمعی و کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی دموکراتیک دارد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی و احساس تعلق، تعهد، احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهرنشینی است که به آن فعالیت بالفعل و تعهد شهروندی اطلاق می‌شود و منجر به احساس تعلق، اعتماد و امید به آینده، عزت نفس و فروتنی، همکاری عمومی، دیدگاه باز و وحدت سنت و مدرنیته می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۴، ص ۹-۵). برخورداری از روحیه عقلانی و انتقادی در دانش علمی، بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون، به شرط رعایت این آزادی‌ها



توسط شهروندان، احترام به قانون به عنوان ابزار مناسبی برای جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط‌گرایی در رهبری دموکراسی و درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی، مهم‌ترین ارزش‌هایی است که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد. از مجموع مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته پیرامون فرهنگ و فرهنگ شهروندی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که فرهنگ شهروندی کلیتی است که از عناصر مختلف و متعدد تشکیل شده و محصول جمعی براساس شناخت جامعه است؛ تاریخ‌مند است، به این معنا که از نسل‌های گذشته به نسل‌های امروزی رسیده و از پایداری برخوردار است؛ به این معنا که به سختی و در درازمدت دستخوش تغییر می‌گردد. این فرهنگ یک طیف است و در مقابل بی‌فرهنگی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه دارای جنبه‌ها و درجات متفاوتی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

### ۲-۳. اخلاق شهرونی

در یک دولت باید بتوان شرایطی را فراهم کرد که اگر بخواهیم در شهری با آرامش و صلح اجتماعی زندگی کنیم، افراد به‌مثابه واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه، قادر به درونی کردن حقوق و وظایف خود باشند. درونی‌کردن، هزینه‌های اجرایی شدن حقوق و وظایف شهری را به حداقل ممکن رسانده و در غیر این حالت، هزینه‌ها دائماً افزایش یافته و به موقعیت‌هایی می‌رسیم که به ناچار، کنترل اجتماعی دائماً افزایش می‌یابد. اخلاق شهروندی - به‌ویژه در شهرها - دست‌اندرکاران و ساکنانش، مجموعه‌ای از قوانین و عرف‌های اجتماعی، امکان زندگی هماهنگ و توأم با آرامش - با یکدیگر و نیز با محیط زیست - و توسعه پایدار برای نسل‌های آینده و موقعیت‌های مناسب برای از میان برداشتن موقعیت‌های نامناسب کنونی را به همراه می‌آورد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۷۸). به عبارت دیگر، هر دو فیلسوف، هر یک با روش و استدلال خود، به یک فهم مشابه دست می‌یابند که رابطه متقابلی میان انسان خوب و شهروند خوب وجود دارد. ارسطو آرمان‌های یونانی میانه‌روی، هماهنگی و توازن را که هسته ارزش‌شناختی یا نظریه ارزش‌رنالستی را تشکیل می‌دهند، در «اخلاق نیکوماخسی» مورد تأکید قرار داده است (گوتک، ۲۰۰۹).

اخلاق شهروندی، در ابعاد موضوعی مختلف اجتماعی، خانواده، سیاسی، کارگزاران، فردی، اقتصادی، دولت‌مردان، مدیران، رسانه و مطبوعات و... ظاهر می‌شود. اصول اخلاق شهروندی منجر به رعایت حقوق کلی افراد و احساس تکلیف نسبت به دیگران، ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی و رعایت قانون و مقررات در تمامی صحنه‌های تلاش و فعالیت‌های گوناگون می‌گردد؛ که ملکه و صفت پایدار شهروندی می‌شود. بنابراین، اخلاق شهروندی که بر رفتار، اعمال، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است، مجموعه‌ای از مبانی و معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی است که از موضوعات مهم زندگی شهروندان محسوب می‌شود و با گذشت زمان و رشد شهرونی، پیشرفت علوم و فنون نوین و ترویج فرهنگ‌های

مختلف و بروز نیازهای جدید مادی و غیرمادی انسان، ضرورت آن بیش از گذشته محسوس است. منابع دینی، مهم‌ترین مرجع قابل بهره‌برداری برای خَلقِ اخلاق شهروندی است که ویژگی مثبتی به حساب می‌آید. در این زمینه طبعاً دین اسلام، دین رسمی است و اکثریت مطلق مردم این کشور دارای اولویت مطلق هستند. علاوه بر این، باید از همه ظرفیت‌های ادیان و مذاهب موجود در کشور و از تمام توان قابل دسترس آن‌ها در شکل‌دهی به اخلاق شهروندی، بهره برد. اقلیت‌های دینی ایران، ادیان مهم ابراهیمی هستند که وجوه مشترکی با دین اکثریت دارند. هرچند در سال‌های اخیر از این منابع زیاد استفاده شده، اما با وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم (فکوهی، ۱۳۸۱). سنت، گنجینه‌ای بزرگ از رفتارها، باورها، عرف‌ها و آداب و رسوم است که هنوز در بخش بزرگی مورد استفاده قرار نگرفته است. مدرنیته در تناقض با سنت نیست؛ بلکه باید از دل آن بیرون بیاید. مطالعه پیشینه چند هزار ساله شهرنشینی ایران و اخلاق انسانی در این کشور کمکی اساسی برای بازآفرینی مدرنیته تلقی شده و هر فرهنگ و هر کشوری نیاز دارد مدرنیته بومی را براساس سنت‌های خود تعریف کند. دلیل تضاد و تنش مدرنیته با سنت، برون‌زا بودن مدرنیته در تعریف کنونی آن و نبود همخوانی و همسازی آن با فرهنگ بومی است (همان، ص ۸۵).

برای اینکه باورهای اخلاق مدنی در جامعه تقویت شود، لازم است این باورها از طریق استدلال و در فرایندهای جامعه‌پذیری نهادینه شوند. خانواده به عنوان بخش مهمی از زندگی شهروندان و سیستم آموزش رسمی، با هماهنگی یکدیگر، می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. این هماهنگی می‌تواند چرخه‌های معیوب و آسیب‌زای شهروندی را به چرخه‌های مثبت و سازنده تبدیل کند. دولت به‌مثابه نوعی حاکمیت بیرونی، جدا از کالبد عمومی درک می‌شود. در چشم‌انداز میان‌مدت و کوتاه‌مدت، باید در راه تقویت مردم‌سالاری پیش رفت. در اخلاق سیاسی، نقطه‌ضعف بزرگ جامعه ما شکل نگرفتن و درونی نشدن مفهوم «دولت» در ذهن مردم به معنای اصیل آن است و باید آن را جدای از روابط و اراده عمومی به‌شمار آورد. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب تقویت مشارکت سیاسی، وظیفه‌ای اصلی است و باید به‌مثابه مهم‌ترین محور زندگی اجتماعی انسان‌ها، فرآیندهای موازی را برای تقویت حکومت‌های محلی، بالا بردن ظرفیت‌های نقد و نقدپذیری، گذر غایی به مردم‌سالاری مشارکتی، کاهش تنش‌ها و روابط مبتنی بر زور، تقویت سازمان‌های غیردولتی، تمرکززدایی در جامعه به منظور دستیابی به حفظ امنیت و صلح اجتماعی فراهم نمود (فکوهی، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

### ۳-۳. گفتمان فرهنگی

واژه گفتمان به «اعم مقولات، موضوعات و مطالب گفتاری و نوشتاری و هر آنچه به گفت‌وگو، تبادل آرا و مذاکره فرامی‌خواند» اطلاق می‌شود (آگر، ۱۹۹۰، ص ۳۷). گفتمان، حتی موجب پیشرفت و تسریع در



بازتدوین خود نیز می‌گردد (همان، ص ۳۶). لازم به ذکر است که این نوع گفتمان هیچ‌گونه تعارضی با فرآیندهای عقل‌گرایی، اصالت‌گرایی و بنیادگرایی ندارد؛ همان طوری که برنشتاین می‌گوید: این نوع گفتمان نه در مخالفت با استدلال‌گرایی، شالوده‌گرایی و ماهیت‌گرایی است؛ بلکه در توافق و هماهنگی با آن است؛ برخلاف پست‌مدرنیسم که مخالف با شالوده‌گرایی یا ماهیت‌گرایی است (برنشتاین، ۱۹۸۹، ص ۱۸۶). هابرماس، جامعه‌شناس آلمانی و وارث مکتب فرانکفورت، دریچه‌ای دیگر در این زمینه می‌گشاید و بر این عقیده است (هابرماس، ۱۹۷۳، ص ۱۰۵) که معیارهای اخلاقی و علمی صحیحی وجود دارد (به آن‌ها هنجارهای معتبر اطلاق می‌کند) که جوامع باید در تلاش و اشتیاق نیل به آن و منطبق ساختن یا تطبیق دادن خود با آن باشند. تقویت این معیارها سبب ارزش یافتن و ترویج همگرایی و هم‌نوایی می‌شود. هابرماس تأکید می‌کند که اگر گفتمان به حد کافی طولانی شود و ادامه یابد، روشی به وجود می‌آید که از دل آن، حقیقت اخلاق یا هنجارهای اخلاقی درست یا حتی دقیق‌تر از آن، هنجارهای درست عدالت بیرون می‌آید. هنجارهای معتبر، هنجارهایی هستند که همه انسان‌ها می‌توانند در گفتمان عملی، در وضعیت آرمانی گفتار آنها را بپذیرند. این هنجارها، نوعی اراده عمومی و علائق و منافع قابل‌تعمیم را در جوامع انسانی پدید می‌آورد؛ که در نهایت به ایجاد و بسط هم‌نوایی و همگرایی میان آن‌ها منجر می‌شود. به این ترتیب در پرتو گفتمان، هنجارهای اخلاقی به تقویت درونی خود می‌پردازد و به رفتارهای متعادل می‌انجامد؛ ارزش‌های حاکی از افراط و تفریط‌ها از میان رخت برمی‌بندد و زمینه برای عدالت فردی و اجتماعی فراهم می‌شود. او همچنین معتقد است که یکی از کارکردهای قانون، تنفیذ هنجارهای معتبر است (همان، ص ۱۰۶)؛ و از این‌رو به اهمیت و نقش قانون و قانون‌مداری در تنظیم و تثبیت روابط انسانی در یک جامعه مدنی نیز اشاره می‌کند. جایی که نقش و اهمیت عملکردهای دولت‌ها در تدوین و اجرای قوانین و بسترسازی قانونی گفتمان و هنجارهای معتبر اجتماعی، برجسته و بارزتر می‌شود.

#### ۴. دیدگاه نظریه پردازان

هابرماس با نقد مدل‌های رایج دموکراسی، به پردازش ایده دموکراسی گفت‌وگویی پرداخته و آن را قالبی می‌داند که از طریق آن، دو اصل تضمین‌کننده مشروعیت، یعنی حکومت مردم و حقوق بشر به یکدیگر پیوند می‌خورند. وی شهروندی را بر پایه اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی، تعریف و تبیین کرده است. بنابراین، به لحاظ جامعه‌شناختی، مکان اصلی بروز دموکراسی واقعی و عمیق، که ورود کنش استراتژیک در آن ممنوع است، حوزه عمومی است؛ تا امکان گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به وجود بیاید. در حوزه عمومی، روند و فرآیند گفت‌وگو مهم است و پیامد و نتیجه مهم آن، حاکمیت روند و فرآیند گفتمان یا گفت‌وگو و عقلانیت حاکم بر دموکراتیک است.

**رهیافت کنش متقابل:** در این رویکرد، سازمان کنونی اخلاق و رفتار شهروندان با توجه به بستر فرهنگی و تاریخی، مورد مطالعه قرار گرفته، نفوذ فرهنگ بومی در درون سازمان فرهنگی و اخلاقی و تأثیر بر رفتار شهروندان و نیز تولید رفتار اخلاقی و فرهنگی، بررسی می‌گردد. در این سطح، به مطالعه سازمان درونی اخلاق و فرهنگ و سلوک شهروندان پرداخته می‌شود و تعاملات میان کنشگران و تأثیر و تأثرات آنان در توسعه، عدم توسعه یا افول اخلاق و فرهنگ و سلوک شهروندی، محک زده می‌شود. سطح رویکرد در این رهیافت، در خط ارتباطی خرد به خرد قرار می‌گیرد و شکل‌های مختلف زندگی اجتماعی و ارزش‌ها و هنجارهای متعلق به اخلاق و رفتار کنشگران، در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در این تعامل میان کنشگران که در شرایط یکسان شهروندی قرار گرفته‌اند، جریانی دوسویه ایجاد می‌شود و تبدالی صورت می‌گیرد، که منجر به تولید رفتاری با ویژگی‌های رفتار شهروندی می‌گردد؛ ولی به دلیل ناهمانندی موقعیت کنشگران شهروند، تعاملات میان آنان دچار واریانس قدرت، شوکت، عظمت و سایر مواهب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌گردد. با توجه به نگرش سلسله مراتبی در جوامع ارزشیابی مثبت توأم با احترام نسبت به رفتار، گفتار، کردار و پندار و... افراد، در سلسله مراتب فوقانی جامعه - صرف نظر از موقعیت برابر شهروندی آنان - در تعامل میان کنشگران شهروند، رفتار و سلوک آنان، جهت تعامل را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ که در مراتب بالاتر از موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... قرار دارند. رفتار غالبی به عنوان رفتار شهروندی که نتیجه تعاملات بوده، بر رفتار دیگران تأثیرگذار است (ریترز، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳). انسان‌ها در فراگرد کنش متقابل اجتماعی، به گونه‌ای نمادین، معنایی را به دیگران انتقال می‌دهند. در زمان انجام دادن یک کنش، می‌کوشند تأثیر کنششان را بر کنشگران دیگر، سبک و سنگین کنند. به عبارت دیگر، کنشگران، حین کنش متقابل اجتماعی، در فراگردی از نفوذ متقابل قرار می‌گیرند. دیگران این نمادهای معنادار را تفسیر می‌کنند و بر پایه تفسیرشان از این نمادها، واکنش نشان می‌دهند (همان، ص ۲۸۶) و این فرآیند، در شبکه روابط، سازگاری با یکدیگر، پیوند و زمینه تعامل توأم با سلوک و سازگاری را برای شهروندان فراهم می‌آورد.

##### ۵. گفتمان‌های فرهنگی در زیست اخلاقی و فرهنگی حاکم بر غرب

به نظر هابرماس، جامعه براساس شرایط مناسب دموکراسی و اعضای آن در حوزه عمومی، نقش شهروندی زمانداری را تجربه کرده و جامعه مدنی، ضمن رفع مسائل گوناگون در حوزه‌های مذکور و در حوزه عمومی، که حد واسط نظام سیاسی و خصوصی است، حق و مسئولیت شهروندی را پذیرفته و امکان اعلام نظر و عقیده را می‌یابند. (۱۹۹۴) براساس نظر جامعه‌شناس مذکور، دسترسی برابر به تعامل در «گفتمان عقلانی» به صورت اجتماعات متعدد ارائه می‌شود. از دیدگاه وی، جامعه مدنی، نظامی از اجتماعات مبتنی بر گفتمان، نظارت بر مسائل عمومی را نهادینه کرده و فضای تحقق شهروندی مناسب را خلق می‌نماید. در



قرن بیستم، حقوق دسترسی به جمع کثیری از مزایای عمومی براساس نظام‌های آموزشی و تأمین اجتماعی از سوی دولت در حوزه‌های مختلف سلامت و آموزش و غیره<sup>۱</sup> ارائه شد و شهروندی اجتماعی به منصفه ظهور رسید. برابری، پایه و اساس شهروندی است و با نابرابری‌های برگرفته از نظام سرمایه‌داری، ناهمگون است. با رشد شوراها و پارلمان در قرن ۱۹، شهروندی سیاسی<sup>۲</sup> حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به مثابه عضو یا رأی‌دهنده را دریافت کرد. شهروندی مدنی،<sup>۳</sup> قرن هجدهم، حقوق الزامی برای آزادی‌های فردی، اندیشه و بیان آزادانه و برخورداری از قراردادهای معتبر، به واسطه رشد نهاد و نظام دادگاهی و قضایی ظهور کرد. حوزه‌های عمومی، حتی در گستره اروپا از طریق شبکه‌های ارتباطی عدالت‌محور بسیار خوش‌بینانه عمل می‌کنند (کارتز، ۲۰۰۱، ص ۱۵۹). شهروندی فرهنگی در مورد وضعیت فرهنگ، به عنوان گفتمان ساخته شده است. در این دیدگاه آنچه در خطر است، حقوق فرهنگی و حقوق اقلیت بوده و در گسترش چارچوب قانونی حکومت به حوزه فرهنگی، مسائل اصلی کمتر به هنجارها مربوط می‌شوند؛ و بیشتر بر جنبه‌های نمادین و شناختی تمرکز دارند. این مسائل عمدتاً به ساخت و ساز گفتمان فرهنگی مرتبط هستند. به عبارت دیگر، در این فرآیند، تأکید بیشتر بر مفاهیم، نمادها و درک‌های فرهنگی است، تا قواعد و هنجارهای مشخص. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت گفتمان فرهنگی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و قوانین است که از طریق آن‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه بازتاب می‌یابد (دلانتی، ۲۰۰۲). جنبش‌ها با شالوده‌شکنی ایده‌هایی که با شهروند متداول ارتباط دارند، کوشیده‌اند پذیرندگی اجتماع را افزایش دهند، و در عین حال، فضایی را برای تفاوت و دیگرباشی فراهم سازند. در واقع جنبش‌های اجتماعی نژادی، قومی، جنسیتی و از این قبیل می‌خواهند کلیشه‌هایی را به چالش بکشند که زمانی بر فرهنگ‌های نمادین جامعه مدنی تأثیر گذاشته‌اند. تجدید تصاویر، در مسائل فرهنگی شهروندی فرضیات و بازنمودهای انحصارگرایانه‌اند، که به دنبال به حاشیه کشاندن هستند. این ایده متکثر به سایر جوامع، منجر به دغدغه‌های جدیدی شده که به نوعی تکثر فرهنگی در سطح جهان می‌انجامد. به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ تمایل به چندگانگی فرهنگی، اندیشه ملت را به مثابه یک کل، از لحاظ فرهنگی و سیاسی متحد به مبارزه طلبیده و گرایش به تنوع و گوناگونی در نوع بشر، تصادفی و ناگهانی نبوده است. لازمه این دگرگونی در تصور تاریخ بشر همانند تصور زندگی در حد کمال، ناصحیح است؛ همانطور که طبیعت زبان به بسیاری زبان‌ها و بسیاری تاریخ‌های بشری وجود دارند. از نتایج عدم قطعیت در زندگی انسان، شیوه‌ها و روش‌هایی

1. Social citizenship
2. Political citizenship
3. Civil citizenship



است که انسان‌ها برای مواجهه با این شرایط اتخاذ می‌کنند (کوکاتاس، ۱۳۹۰، ص ۴۶). جامعه چندفرهنگی، شامل طیف متعددی از دو یا چند گروه اجتماعی است و برای دستیابی به شیوه‌های زیست جدید، با دفاع از فرهنگ خاص خود حتی آن را به مثابه شیوه زیست، مورد پذیرش و اشاعه قرار داد (پارخ، ۱۹۹۹، ص ۲۳). پس از مطالعه مؤثر ویلیام گالستون، محققان تحت تأثیر آن، مصمم گردیدند شهروند مسئول را براساس فضائل اقتصادی، یعنی سازگاری اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی و اعتقاد به اخلاق کار، فضائل عمومی یعنی وفاداری و اطاعت از قانون و شجاعت و توانایی برای به تأخیر انداختن ارضای نفس، فضیلت‌های اجتماعی یعنی روشنفکری و استقلال اعتقاد به اخلاق کار، سازگاری اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی و فضائل سیاسی یعنی تمایل به تقاضا و توانایی ارزیابی عملکرد در اداره و شرکت در گفتمان عمومی و ظرفیت تشخیص حقوق دیگران و احترام به آن بشناسند (کیملیجکا و همکاران، ۲۰۰۰). این فضای فرهنگی با ارزش‌های خاصی که از آن به عنوان اخلاق کاری پروتستان و روح سرمایه‌داری یاد می‌شود، حامی الگوسازی ارزش‌های گروه‌های اجتماعی غالب در قالب هویت شهروندان است. این فضائل به مثابه دستورالعمل انتزاعی در مباحث متأخر درباره چندفرهنگی و شهروندی، نوعی دستورالعمل انتزاعی است که با تفاوت فرهنگی پردازش و ظاهر می‌شود (بوسنیاک، ۲۰۰۰، ص ۴۴۷).

#### ۶. چالش‌های حاکم بر جامعه معاصر در شکل‌گیری اخلاق و فرهنگ شهروندی

دیدگاه پژوهشگران ایران متأثر از الگوهای ارائه شده برای فرهنگ شهروندی در جامعه مدنی غرب است و نگاهی کوتاه به مطالعات علمی انجام شده در داخل کشور در حوزه اخلاق و فرهنگ شهروندی، نشان‌دهنده این امر است که الگوهای غربی ارائه شده در گستره شهرنشینی ایران پاسخگوی نیاز یک جامعه و شهروند اسلامی - ایرانی نیست. استفاده از الگوهای غربی، فرهنگ شهروندی را در حوزه مسائل شهرنشینی، ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی اسلامی، فرهنگ، مسائل امنیتی در کشور و نیز آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی به چالش کشیده و بر ارائه الگویی براساس معیارهای ملی، منطقه‌ای و محلی فرهنگ شهروندی غنی اسلامی - ایرانی تأکید دوچندان کرده، تا از تقلید کورکورانه از الگوهای غربی، با حفظ هویت ملی بپرهیزد. موضوع اصلی در سیاست فرهنگی شهروندی که جنبش‌های اجتماعی از آن الهام گرفتند، موضوع تفاوت است. هاروی می‌نویسد:

الگوها در حال تغییر هستند، اما این واقعیت همچنان پابرجاست که شهرها، که به عنوان کارگاه‌های تمدن شناخته می‌شوند، بر پایه استثمار گروه‌هایی از افراد شکل گرفته‌اند. شهرسازی به‌عنوان یک فرآیند، ریشه در استثمار و میراث تاریخی دارد» (یامادا و همکاران، ۲۰۲۱).



در پیشینه تاریخی، مجموعه‌ای از قانون و مقررات و عرف‌های اجتماعی اخلاق و فرهنگ شهروندی در شهرهای مختلف، بیان می‌شود و برای زندگی بدون تنش و هماهنگ با یکدیگر ساکنان و دست‌اندرکاران این شهرها و حفظ محیط زیست و توسعه پایدار و گذار آرام از موقعیت‌های مناسب کنونی و رفع موقعیت‌های نامناسب، شرایط مطلوبی را برای نسل‌های آینده فراهم می‌آورد. با افزایش شهرنشینی در سال ۱۳۳۵ از ۳۰ درصد به بیش از ۷۰ درصد، کمبود مراکز بهداشتی و درمانی، فرصت‌های فراغتی و تفریحی و ورزشی، مسکن، آلودگی هوا، معضلات ترافیکی و بافت‌های فرسوده شهری، آلودگی‌های زیست‌محیطی و مشکلات دیگر، مسائل متناهی را در زندگی شهری پدید آورد. همچنین فرهنگ شهروندی و به تبع آن اخلاق شهروندی دستخوش تأثیرپذیری از برخی ناهنجاری‌های اجتماعی، واقع شده است؛ چراکه بیشتر با روستاهایی شهرزده و یا شهرهایی روستازده روبرو هستیم که بیش از آنکه خود را مقید به قواعد شهروندی بدانند و یا از آن آگاه باشند، دچار نوعی سرگشتگی در تداوم سنت‌های اجتماعی و مناسبات حاکم بر محیط گذشته خود و نظامات مربوط به فرهنگ و اخلاق شهروندان در کلان‌شهرها می‌باشند. شهروندی و عدم رعایت اصول شهروندی از جمله مشکلاتی است که در جامعه ما، در اولویت قرار دارد.

به دلیل همجواری‌های فیزیکی مناطق غیرشهری (روستاها و عشایر) در جوار شهرها و موج انقلاب اطلاعاتی و گسترش رسانه‌ها و تظاهر به شهری بودن، بدون داشتن ذهنیت‌های مناسب نسبت به شهر و جامعه، افراد از فقدان آگاهی لازم درباره حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود رنج می‌برند. شتاب سریع شهری‌شدن، ذهنیت «شهروندی» مطلوب را در شهرها ایجاد نکرده است. این مسئله باعث شده تا در موقعیت‌های مناسب شهروندانه و در چارچوب‌های جهانی، ساخت اخلاق و فرهنگ شهروندی با بحران بی‌اعتمادی فزاینده‌ای از سوی مردم عادی نسبت به قشر سیاسی حرفه‌ای مواجه شود. این بی‌اعتمادی ناشی از فساد اقتصادی و مردم‌سالاری‌های مبتنی بر تفویض اختیار به نمایندگان سندیکا‌های حرفه‌ای، احزاب و پارلمان‌هاست که بیشتر دغدغه تجدید قدرت دارند تا همدردی با شهروندان. از سوی دیگر، قدرت‌یابی مبتکران ملی و منطقه‌ای، استقامت فرهنگی و انسانی در برابر روند جهانی‌شدن، و تقویت سازمان‌های غیردولتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، نشان‌دهنده تلاش‌هایی برای مقابله با این چالش‌هاست.

با این حال، عدم کنترل بر میراث استعمار و مهاجرت گسترده مردمان مستعمرات به سابق استعماری، منجر به ایجاد موقعیت‌های پیچیده‌ای از تکرر و تعدد اقوام، زبان‌ها و ادیان کاملاً متعارض در فضاهای کوچک سرزمینی شده است. این تنوع گاه به شورش‌های شهری با خسارات جانی و مالی منجر می‌شود. همچنین، سازوکارهای پایان‌یافته و کم‌اثر دولت رفاه، قشر بزرگی از محرومان را در کشورهای ثروتمند

ایجاد کرده است که به آن‌ها «جهان سوم درون جهان اول» یا «جهان چهارم» اطلاق می‌شود. در این شرایط، حکومت‌های محلی مانند شهرداری‌ها اهمیت بیشتری یافته‌اند.

#### ۷. راهکارهای بهبود اخلاق و فرهنگ شهروندی

برای بهبود اخلاق و فرهنگ شهروندی در جوامع شهری، نیاز به راهکارهای جامع و چندبعدی است که هم به مسائل فرهنگی و اجتماعی توجه کند و هم به چالش‌های اقتصادی و سیاسی پاسخ دهد. در ادامه، راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌شود:

##### ۱-۷. آموزش و آگاهی‌بخشی

آموزش شهروندی در مدارس: برنامه‌های درسی مدارس باید شامل مفاهیم اخلاق شهروندی، حقوق و مسئولیت‌های شهروندی باشد. این آموزش‌ها باید از سنین پایین شروع شود، تا کودکان با مفاهیمی مانند احترام به قانون، مسئولیت‌پذیری، و مشارکت اجتماعی آشنا شوند.

کارگاه‌های آموزشی برای بزرگسالان: برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای بزرگسالان در محلات و مراکز فرهنگی می‌تواند به افزایش آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود کمک کند. این کارگاه‌ها می‌توانند بر موضوعاتی مانند رعایت قوانین ترافیک، حفظ محیط زیست، و مشارکت در امور شهری تمرکز کنند.

استفاده از رسانه‌ها: رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در ترویج فرهنگ شهروندی نقش مؤثری ایفا کنند. تولید برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی با محوریت اخلاق شهروندی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی کمک کند.

##### ۲-۷. تقویت مشارکت شهروندی

تشکیل شوراهای محلی: ایجاد شوراهای محلی که در آن شهروندان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله خود مشارکت کنند، می‌تواند به افزایش احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری شهروندان کمک کند. برنامه‌های داوطلبانه: تشویق شهروندان به مشارکت در برنامه‌های داوطلبانه مانند پاکسازی محلات، کمک به نیازمندان، و مشارکت در مراسم عمومی می‌تواند به تقویت روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری کمک کند.

نظرسنجی‌های شهری: انجام نظرسنجی‌های منظم از شهروندان در مورد مسائل شهری و استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های شهری می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند.



### ۷-۳. بهبود زیرساخت‌های شهری

توسعه فضاهای عمومی: ایجاد و بهبود فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، کتابخانه‌ها، و مراکز فرهنگی می‌تواند به افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت فرهنگ شهروندی کمک کند.

حمل و نقل عمومی کارآمد: بهبود سیستم حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک شهری می‌تواند به کاهش آلودگی هوا و افزایش رضایت شهروندان کمک کند.

امکانات تفریحی و ورزشی: ایجاد امکانات تفریحی و ورزشی در محلات مختلف شهر می‌تواند به بهبود سلامت جسمی و روانی شهروندان و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند.

### ۷-۴. تقویت اخلاق شهروندی

تشویق به رعایت قوانین: اجرای قوانین به صورت عادلانه و تشویق شهروندان به رعایت قوانین می‌تواند به بهبود اخلاق شهروندی کمک کند. برای مثال، جریمه‌های سنگین برای تخلفات رانندگی و تشویق به رعایت قوانین ترافیک می‌تواند به کاهش حوادث رانندگی کمک کند.

تقدیر از شهروندان نمونه: تقدیر از شهروندانی که در رعایت قوانین و مشارکت در امور شهری پیشگام هستند، می‌تواند به تقویت فرهنگ شهروندی کمک کند. این تقدیر می‌تواند در قالب جوایز، تقدیرنامه‌ها، یا معرفی در رسانه‌ها انجام شود.

برنامه‌های فرهنگی و هنری: برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری مانند نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها، و جشنواره‌های محلی می‌تواند به افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت فرهنگ شهروندی کمک کند.

### ۷-۵. توجه به مسائل زیست‌محیطی

آموزش محیط زیست: آموزش شهروندان در مورد اهمیت حفظ محیط زیست و روش‌های کاهش آلودگی می‌تواند به بهبود رفتارهای زیست‌محیطی کمک کند.

برنامه‌های بازیافت: ایجاد برنامه‌های بازیافت در محلات مختلف شهر و تشویق شهروندان به مشارکت در این برنامه‌ها می‌تواند به کاهش زباله‌های شهری و حفظ محیط زیست کمک کند. استفاده از انرژی‌های پاک: تشویق شهروندان به استفاده از انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی و کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی می‌تواند به کاهش آلودگی هوا و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند.

### ۷-۶. تقویت هویت شهری

حفظ میراث فرهنگی: حفظ و احیای میراث فرهنگی و تاریخی شهرها می‌تواند به تقویت هویت شهری و افزایش احساس تعلق شهروندان به شهر کمک کند.

برنامه‌های هویت‌بخش: برگزاری برنامه‌هایی که به تقویت هویت شهری کمک می‌کنند، مانند جشنواره‌های محلی و مراسم سنتی، می‌تواند به افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت فرهنگ شهروندی کمک نماید.

#### ۸. نتیجه‌گیری

نقش فرهنگ شهرنشینی در انجام تعهدات شهروندی، در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار حائز اهمیت است. شهروندی، رابطه‌ای را میان فرد و جامعه پدید می‌آورد و چارچوبی برای تعامل و گفت‌وگو میان افراد درون جامعه فراهم می‌کند. نظر به اینکه فرهنگ و اخلاق شهروندی از ضروریات اساسی افزایش و گسترش سرمایه اجتماعی در هر جامعه است؛ امتیاز شهروندی بر سایر هویت‌های اجتماعی، برابری فراگیر دارد و سایر هویت‌ها، چون طبقه و قومیت، از این ویژگی برخوردار نیستند. گفت‌وگو جهت آگاهی از میزان و کیفیت آن در زمان‌های مختلف، لازمه توسعه همه‌جانبه جوامع است. فرهنگ شهروندی گفت‌وگومحور، رابطه مفهومی را میان متغیرهای زمینه‌ای و پایبندی به فرهنگ شهروندی میان اجزاء جامعه ترسیم کرده و آنان را در شناخت کامل وظایف و باورهای مذهبی، ترغیب و در سطح خرد، شهروندانی فعال و آگاه را براساس فرهنگ شهروندی، پرورش می‌دهد و عام‌گرایی، افزایش مدارای اجتماعی و مشارکت‌جویی را در سطوح گوناگون آموزش می‌دهد. شهروندی و فرهنگ شهروندی، محصول تعهد چندجانبه است؛ زیرا شهروندان، عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می‌شوند و در عرصه‌های مختلف جامعه حضور دارند و برای تحقق آن، حرکتی دوسویه، یکی از بالا به پایین به مثابه فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی در ساختار کلان، و دیگری حرکت از پایین به بالا که در واقع مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان، به‌ویژه عرصه عمومی برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه است را در پیش می‌گیرند. ارزش‌های دینی و فرهنگی - تمدنی ایران اسلامی دارای آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است؛ چراکه فلسفه بنیادین این آموزه‌ها، این باور است که برای تغییر رفتارها باید از آگاهی‌ها و نگرش‌های افراد شروع نمود. با توجه به تأثیر باورهای دینی در پایبندی به فرهنگ مدنی، قابلیت مناسبی را برای کسب مهارت‌های لازم شهروندان برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی آنان فراهم می‌آورد؛ زیرا دین یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد فرهنگ شهروندی است و باید توجه ویژه‌ای به دینداری و باورهای دینی مردم در ترغیب به پایبندی به اخلاق شهروندی صورت گیرد، و آموزه‌های شهروندی باید متناسب با نیازهای اجتماعی، دینی و فرهنگی جامعه ارائه گردد.



## منابع

- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز، چاپ سوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. جامعه‌شناسی ایران، ۴(۳).
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال. رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ص ۵۸-۳۵.
- فتحی، سروش (۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی طراحی فضاهای شهری. رساله دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). بررسی انسان‌شناختی انجمن‌های غیردولتی اقلیت‌های دینی در شهر تهران. تهران: معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی. مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۶.
- قطب، محمد (۱۳۶۰). انسان بین مادی‌گری و اسلام. ترجمه سیدخلیل خلیلیان. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- کوکاتاس، چاندرا، یگانگی سرشت بشر و چندگانگی ارزش‌ها، در فلسفه و جامعه و سیاست. گزیده، نوشته و ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: ماهی.
- نیکومرام، هاشم؛ کاوسی، اسماعیل؛ سادات، حوریه (۱۳۹۰). نقش مهندسی فرهنگی در توسعه اخلاق شهروندی. مطالعات مدیریت شهری، ۳(۵)، ص ۸۷-۷۱.
- هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ عممی، شهرزاد (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان. مطالعات شهری، ۲(۳)، ص ۲۳۰-۲۰۹.
- Ager, D.L. (1990). *Sociolinguistics and Contemporary French*. Cambridge University Press. Anderson.
- Arendt, H. (1998). *The human condition*. (2<sup>nd</sup> ed.). USA: University of Chicago Press.
- Arendt, H. (2003). *Responsibility and judgment*. New York: Schocken Books.
- Bernstein, R.J. (1989). The Rage Against Reason. *Philosophy and Literature*, 10(2).
- Bosniak, L. (2000). Citizenship Denationalized (The State of Citizenship Symposium). *Indiana Journal of Global Legal Studies*, 7(2).
- Carter, A. (2001). *The political theory of global citizenship*. London: Routledge.
- Delanty, G. (2002). Two Conceptions of Cultural Citizenship: A Review of Recent Literature on Culture and Citizenship. *Ethnopolities*, 1(3), p. 60- 66.
- Durkheim, E. (1989). *Suicide; A Study in Sociology*. London: Routledge.
- Festugiere, A.J. (1999). *Grece antique*. In: Encyclopédie Universalis, cd-rom.
- Gotek, G. (2009). *Philosophical schools and educational ideas*. Translation MJ Pakseresht, Tehran: Samt Publication.
- Habermas, J. (1973). *Legitimation Crisis*. Boston: Beacon Books.
- Kymlicka, W. & Norman, W. (2000). *Citizenship in Culturally Diverse Societies: Issues, Contexts, Concepts*. In: W. Kymlicka & W. Norman (eds.), *Citizenship in Diverse Societies*. Oxford University Press.
- Maclean, I. (1996). *Oxford Dictionary of Politics*. Oxford University Press.

- P. Ochoa, D. & Dela Cruz, T. (2024). Negotiating autonomy, community, and divinity in urban Filipino young adults' moral reasoning. *Sage journals*, <https://doi.org/10.1177/1354067X241285350>
- Parekh, B. (1999). *Political theory and the multicultural society*. URL=<https://red.pucp.edu.pe/wp-content/uploads/biblioteca/081232.pdf>
- Roche, M. (2002). *Social Citizenship: Grounds of Social change hand book of citizenship studies*. Sage publications, New Delhi.
- Turner, B.S. (1993). *Citizenship & social theory*. SAGE Publications.
- Unesco instate for Education (2004). *Culture of citizenship: A culture of Citizen action & commitment, working document*. URL= <https://www.ssoar.info/ssoar/handle/document/3933>
- Yamada, Sh., Kanoi, L., Koh, V., Lim, A. & Dove, M.R (2021). *Sustainability as a Moral Discourse: Its Shifting Meanings, Exclusions, and Anxieties*. <https://doi.org/10.3390/su14053095>